

دور یا دور دنیا

۱۴

ایرلند / ساموئل بکت
همہ کی افتادگان
ترجمہ مراد فرہاد پور و مہدی توہید



نثری

بکت، ساموئل، ۱۹۰۶-۱۹۸۹ م. Beckett, Samuel
همه افتادگان (نمایشنامه رادیویی) / ساموئل بکت؛ ترجمه مراد
فرهادپور؛ مهدی نوید. - تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۷۹ ص.

ISBN 964-312-773-7

عنوان اصلی: All that fall: a play for radio, 1986.
فهرست نویسی براساس اطلاعات قیفا.

۱. نمایشنامه رادیویی انگلیسی. الف فرهادپور، مراد، ۱۳۳۷
- مترجم. ب. نوید، مهدی، ۱۳۶۰ - مترجم. ج. عنوان. د.
عنوان: نمایشنامه رادیویی.
PR
۵۹۹ ب ۹۱ / ۸۲۲
۱۳۸۵

م ۸۳-۲۳۲۲۸

کتابخانه ملی ایران

توجه

هرگونه استفاده از متن این اثر منوط به اجازه کتبی ناشر است.



نشرنی

تهران، خیابان کریم خان، نبش میرزای شیرازی. شماره ۱۶۵. کد پستی ۱۵۹۷۹۸۵۷۴۱
تلفن: ۲ و ۸۸۹۱۳۷۰۱. صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵
www.nashrenay.com

دفتر فروش: خیابان دکتر فاطمی. خیابان رهی معیری، شماره ۵۸
تلفن: ۹ و ۸۸۰۰۴۶۵۸. فکس: ۸۸۰۰۸۲۱۱
کتابفروشی: خیابان کریم خان، نبش میرزای شیرازی. شماره ۱۶۹
تلفن ۸۸۹۰۱۵۶۱

Samuel Beckett

ساموئل بکت

All That Fall

همه افتادگان

ترجمه مراد فرهادپور و مهدی نوید

• چاپ اول ۱۳۸۶ تهران • تعداد ۲۲۰۰ نسخه • لیستوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-773-7

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۷۷۳-۷

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

«دور تا دور دنیا»، همچون تمام مجموعه‌های دیگر؛ همان مقدمه‌ها، همان حرف‌ها و نوشته‌ها، هیچ حرفی برای گفتن، «نمی‌دانم، این رویاست، شاید رویاست، گمان نمی‌کنم، بیدار خواهم شد، در سکوت، دیگر نخواهم خوابید، خودم تنها، یا باز هم رویا، رویای یک سکوت، یک سکوت رویایی، پر از زمزمه‌ها، نمی‌دانم، همه‌اش کلمات، بیداری هرگز، فقط کلمات، چیز دیگری نیست، باید ادامه داد، فقط همین را می‌دانم، به‌زودی متوقف می‌شوند، این را خوب می‌دانم، حس می‌کنم، مرا رها می‌کنند، آن‌گاه همان سکوت، برای لحظه‌ای، چند لحظه ناب، یا همان رویای خودم، آن که ماندنی‌ست، آن که نماند، که هنوز می‌ماند، خودم تنها، باید ادامه داد، نمی‌توانم ادامه دهم، باید ادامه داد، پس ادامه خواهم داد، باید کلمات را گفتم، تا زمانی که کلمه‌ای هست، باید آنها را گفتم، تا وقتی که مرا ببانند، تا وقتی که مرا بگویند، درد عجیب، گناه عجیب، باید ادامه داد، شاید پیش از این انجام شده، شاید پیش از این مرا گفته‌اند، شاید مرا به آستانه قصه‌ام رسانده‌اند، روبه‌روی دری که به

قصه‌ام گشوده می‌شود، گمان نمی‌کنم، اگر باز شود، خود خواهم بود، سکوت خواهد بود، آنجا که هستم، نمی‌دانم، هرگز نخواهم دانست، در سکوت هیچ‌کس نمی‌داند، باید ادامه داد، نمی‌توانم ادامه دهم، ادامه خواهم داد.^۱

تینوش نظم‌جو

مهدی نوید